

واکاوی نقش آثار تفسیری قرآنی در فرهنگ و تمدن اسلامی (مطالعه موردی مفسران اواخر عصر صفوی مدفون در تخت فولاد اصفهان)

سید احمد عقیلی*



چکیده

با وجود جایگاه بلندمرتبه قرآن در بین مسلمانان، به عنوان منبع الهام‌بخش و زمینه‌ساز شکل‌گیری تمدن اسلامی از یک جهت و وجود قبرستان تخت فولاد اصفهان به عنوان دومین قبرستان بزرگ جهان تشیع (وادی السلام ثانی) از جهت دیگر، متأسفانه تاکنون تحقیقات بایسته در خصوص آثار تفسیری اندیشمندان آرمیده در این مکان مقدس صورت نگرفته است. مقاله حاضر بر مبنای این دغدغه و به شیوه توصیفی - تحلیلی، با کنکاش در فهرست‌های کتابخانه‌ای و با هدف بررسی و بازنمایی برخی از آثار قرآنی و تفاسیر مهجور بزرگان مدفون در تخت فولاد در محدوده زمانی اواخر عصر صفوی، تلاش دارد بخشی از این کمبود را جبران کند. از نتایج این پژوهش چنین به دست می‌آید که آثار بسیاری در زمینه تفسیر قرآن از این دانشمندان در کتابخانه‌ها و مراکز علمی به صورت نسخه‌ای یا خطی موجود است که هنوز به صورت علمی منتشر نشده و چه بسا با انجام این مهم، گامی اساسی در خدمت به تاریخ تفسیر قرآن برداشته شود و زمینه‌های آشنایی با دیدگاه‌های تفسیری دانشمندان این دوره نیز فراهم گردد؛ همچنین، چهره‌های شاخص قرآنی اصفهان که در تخت فولاد آرمیده‌اند، بیش‌ازپیش معرفی گردند.

واژگان کلیدی: تخت فولاد، قرآن کریم، مفسران، صفویه، فرهنگ و تمدن

دریافت: ۱۴۰۰/۴/۱۶

پذیرش: ۱۴۰۰/۴/۲۶

صفحه ۸۰ تا صفحه ۹۷

* دانشیار و عضو هیئت علمی گروه تاریخ دانشگاه سیستان و بلوچستان

aghili@lihu.usb.ac.ir

۱. مقدمه

مزار متبرک تخت فولاد، با سابقه‌ای بسیار کهن به اندازه تاریخ اصفهان، مجموعه‌ای معنوی و فرهنگی است، که جمع زیادی از عالمان، عارفان، اهل سلوک و مؤمنان در آن آرمیده‌اند. این بزرگان ارزش زیادی به این مکان داده و آن را به عنوان دومین قبرستان بزرگ جهان تشیع شناسانده‌اند. قرآن پژوهی نیز در حوزه فرهنگ و تمدن اسلامی مفهومی گسترده و کلی دارد و در یک نوشته محدود، نمی‌توان همه مصادیق آن را بررسی کرد. از آنجا که مطالعات علوم قرآنی و تفسیر مهم‌ترین مصادیق قرآن پژوهی شمرده شده و بسیاری از مباحث علوم قرآنی نیز در مقدمه بیشتر تفاسیر مطرح می‌شود، در این مقاله، سیر تاریخی قرآن پژوهی در بین آرمیدگان در تخت فولاد اصفهان، در محدوده زمانی اواخر عصر صفوی (دوره شاه سلیمان و سلطان حسین صفوی) بررسی می‌گردد. جهت حفظ انسجام مطالب در دو حوزه آثار قرآنی و مدفونین تخت فولاد، مطالب مقاله نیز در دو محور تنظیم و تدوین شده است: نخست شرح حال معاریف و بزرگانی که در دوره اخیر صفویه در زمینه علوم قرآنی صاحب اثر بوده‌اند و دوم، شناسایی و معرفی آثار این بزرگان. محور دوم مهم‌تر است و با جستجوی فراوان در فهرست نسخ کتابخانه‌های بزرگ کشور انجام شده و نگارنده توانسته است به برخی از نسخ خطی این آثار دست یابد و برای هر یک شرح و توضیحی ارائه و محتوای آن‌ها را به اختصار معرفی کند. به نظر می‌رسد تاکنون در جهت معرفی این شخصیت‌ها و آثار ایشان، پژوهش قابل توجهی - حتی در حد یک مقاله - انجام نشده و مقاله حاضر از این لحاظ، مقدمه‌ای جهت شناسایی و معرفی این بزرگان و آثار آنان در زمینه علوم قرآنی است.

۲. معرفی دانشمندان دوره اخیر صفوی

۱-۲. آقاحسین خوانساری (م. ۱۰۹۸ ق.)

آقاحسین خوانساری در سال ۱۰۱۶ ق. در خوانسار به دنیا آمد و پس از دوران کودکی، تحصیلات خود را نزد بزرگانی از دانشمندان سپری کرد. آقاحسین از شاگردان معروف پدرش آقاجمال خوانساری و همچنین میرفندرسکی بود. وی حکیم، متکلم، محدث و فقیه بزرگ زمان خود بود و در دوران پادشاهی شاه سلیمان صفوی (۱۰۷۷ - ۱۱۰۵ ق.) اعتبار بسیار یافت. او بر شخص شاه نفوذ فراوان داشت و این ارجمندی او دست‌مایه‌ای وافر برای ترویج دانش‌های عقلی و حمایت از حکمت و حکیمان گشت. وی پس از میرسیدمحمد معصوم



(م. ۱۰۹۵ ق.)، شیخ الاسلام اصفهان شد. آقاحسین خوانساری از جمله شخصیت‌هایی است که در مراتب اجتماعی به «شیخ‌الاسلامی»، در مقامات حوزوی به رتبه «استاد الکل فی الکل» و در علوم محض به «عقل حادی عشر» مشهور گشت. او در فلسفه، عرفان و کلام به درجه‌ای رسید که آثار بسیاری از دانشمندان اسلامی همچون فارابی و شیخ الرئیس را به نقد کشید و در آرای فقهی نیز، نظرات قابل‌اعتنا، دقیق و عمیقی از خود به یادگار گذاشت (آشتیانی، ۱۳۷۵، ج ۱، ۳۶۲ - ۳۶۵).

آقاحسین خوانساری تألیفات بسیاری در زمینه‌های مختلف فلسفی، عرفانی، اخلاقی، فقهی، اصولی، تفسیری، کلامی، حدیثی، منشآت، دیوان و جز آن‌ها دارد (دوانی، ۱۳۷۲، ۲۱۴ - ۲۱۹). حتی برخی بزرگان در انتساب و عدم انتساب شماری از آثار به او به اشتباه افتاده‌اند. در ادامه بحث، به برخی از این اشتباهات، به‌ویژه در خصوص آثار قرآنی وی، اشاره خواهد شد. در مجموع، نوشته‌های آقاحسین را می‌توان به دو دسته تقسیم کرد:

الف) آثار چاپی، شامل کتاب‌هایی مانند *مشارك الشمس فی شرح الدروس*، که شرحی است بر کتاب *الدروس* نوشته شهید اول؛

ب) آثار خطی، همچون حاشیه بر شرح تجربید. دیگر آثار خطی آقاحسین به‌گسترده‌گی در کتابخانه‌های ایران موجود است و کمتر کتابخانه‌ای است که چند نمونه از آثار خطی او را نداشته باشد.

در ادامه و متناسب با عنوان مقاله، به آثار قرآنی آقاحسین خوانساری اشاره می‌کنیم:

۱. ترجمه قرآن: شیخ حرّ عاملی در *أمل الآمل (حرّ عاملی، ۱۳۶۲، ج ۲، ۱۰۱)* این کتاب را با عنوان *ترجمة القرآن الکریم* از آن آقاحسین خوانساری دانسته است؛ اما صاحب ریاض پس از نقل نظر شیخ حرّ و در اعتراض به این انتساب، نوشته است: «وَأَقُول: ترجمة القرآن مما لم أسمع به منه ولا من أولاده ولم يكتبها لي ولده في جملة مؤلفاته، فهي سهو من هذا الشيخ» (افندی، ۱۴۰۱، ج ۳، ۵۸).

شیخ آقابزرگ تهرانی نیز درباره این ترجمه به تفصیل بحث و اثبات کرده است که نظر شیخ حرّ عاملی بر نظر صاحب ریاض مقدم است: «للمحقق آقاحسین بن جمال الدین خوانساری (المتوفی ۱۰۹۹ ق.) دَکَرَه فی أَمَل الآمل، لکن أُنکر علیه صاحبُ الریاض و قال: «إِنِّي سَأَلْتُ المَحَقِّقَ نَفْسَه عن تصانیفه و کذلک سَأَلْتُ ولَدَه آقاجمال عن تصانیف أبیه فلم یذکر واحدٌ منهما ترجمة القرآن فیما ذُکِر من التصانیف له.» [أقول] شهادة صاحب أمل الآمل بالإثبات مقدّم علی قول صاحب الریاض بعدم ذکرهما له؛ إذ لعلّهما نسیا ذکره،

لکن صاحب أمل الآمل رآه و فی فهرس مدرسة سپهسالار الجديدة ذكر أن هذه الترجمة الفارسية طبعت بالهند» (تهرانی، ۱۴۰۸، ج ۴، ۱۲۶ و ۲۷۲).

۲. شیخ آقابزرگ تهرانی به نقل از سید حسن صدر در تکملة أمل الآمل، تفسیر سور فاتحه را به آقاحسین نسبت داده است (همان، ۳۳۹) و صاحب اعیان الشیعة نیز این تفسیر را معرفی کرده است (امین، ۱۹۸۶، ج ۶، ۱۵۰)؛ اما باید توجه داشت که این تفسیر متعلق به آقاحسین خوانساری نیست. علت اشتباه شیخ آقابزرگ تهرانی و صاحب اعیان الشیعة در این خصوص آن است که سید حسن صدر در تکملة أمل الآمل، تمام آثار شاگرد آقاحسین خوانساری (سیدمیرزا فخرالدین مشهدی خراسانی) را جزء آثار آقاحسین پنداشته است؛ حال آن که این تألیف از شاگرد اوست.

۲-۲. آقاسید رضی‌الدین شیرازی (م. ۱۱۱۳ ق.)

او فرزند سیدمحمدتقی حسینی موسوی نجفی شیرازی اصفهانی (امین، ۱۹۸۶، ج ۷، ۲۹)، و فقیه، محدث، مفسر، ادیب، امام جماعت مسجد جامع عباسی و از مدرّسان حوزه اصفهان در عصر صفویه است. اصالت خاندان وی از نجف اشرف بود و او خود در شیراز متولد و در سال‌های آخر عمرش در اصفهان ساکن گردید (تهرانی، ۱۴۱۱، ۲۷۵). آقاسیدرضی از شاگردان شیخ صالح بن عبدالکریم بحرانی، شیخ محمد بن حسن حرّ عاملی، شیخ قاسم بن محمدکاظم، شیخ عبدالعلی حویزی صاحب تفسیر نور الثقلین و مولانا محسن فیض کاشانی بود و از ایشان اجازه روایت داشت. او شاگردانی هم داشت و برای یکی از آن‌ها به نام محیی بن نبی بجستانی ساکن مشهد به سال ۱۱۰۷ ق. اجازه‌ای در پشت رساله جامع الأحکام خود و اجازه دیگری هم برای شیخ احمد بن حسن حرّ عاملی، برادر شیخ حرّ عاملی، در سال ۱۱۰۶ ق. نوشت (همان).

وی عنایت کاملی به احادیث اهل بیت علیهم‌السلام داشته و صاحب تألیفات ارزشمندی است؛ از جمله تفسیری بر قرآن به نام نور الأنوار و مصباح الأسرار. از ابتدای تفسیر چنین بر می‌آید که آقاسیدرضی پس از ورود به اصفهان و به درخواست برخی از علاقه‌مندان، این تفسیر را نگاشت. نسخ خطی موجود از آن به این شرح است: نسخه مرکز مطالعات اسلامی قم به شماره ۶۳ شامل جزء سوم از سوره کهف تا آخر سوره فاطر به تاریخ ۱۱۰۲ ق. در ۲۵۶ صفحه، نسخه کتابخانه علامه طباطبایی در شیراز به شماره ۴۳۳ شامل سوره یاسین تا آخر قرآن، نسخه کتابخانه عمومی اصفهان به شماره ۵۱۱۵ شامل جلد اول از آغاز قرآن تا آخر سوره اعراف و اول انفال، نسخه کتابخانه آیت‌الله گلپایگانی به شماره ۵۵۸۸



شامل جلد اول از آغاز تفسیر تا پایان سوره بقره، نسخه کتابخانه آستان قدس رضوی به شماره ۱۵۶۷ از اول قرآن تا آخر سوره بقره، نسخه دیگر از همان کتابخانه به شماره ۱۵۶۶ شامل سوره کهف تا آخر سوره فاطر، نسخه کتابخانه آیت‌الله مرعشی شامل جلد دوم از سوره آل عمران تا آخر سوره کهف و نسخه کتابخانه مجلس شورای اسلامی در ۶۶۶ صفحه به شماره ۵۹۷۸ (درایتی، ۱۳۸۹، ج ۱۰، ۸۳۷). تفسیر وی نثری ادبی دارد و احادیث را با تصریح به منابع آن‌ها ذکر می‌کند (اشکوری، ۱۳۷۱، ۱۷۲). مفسر، تفسیر را با دوازده مقدمه آغاز می‌کند و سپس به تفسیر آیات می‌پردازد. ذیل هر آیه، مباحث قرائت، ترکیب، اقوال و روایات را به ترتیب می‌آورد. این تفسیر از تفاسیر مأثوره شمرده می‌شود، به زبان عربی و نوعی تفسیر مزجی تلفیقی است. برخی مباحث مختلف علوم قرآنی نیز در این تفسیر آمده است (عقیقی بخشایشی، ۱۳۸۲، ۳۰۵).

از دیگر تألیفات آقاسیدرضی جامع‌الأحكام فی مسائل الحلال و الحرام در فقه به زبان عربی است، که نسخه‌هایی از آن در کتابخانه آستان قدس رضوی، کتابخانه آیت‌الله مرعشی و کتابخانه مجلس شورای اسلامی موجود است (درایتی، ۱۳۸۹، ج ۳، ۵۲۹). آقاسیدرضی در روز جمعه هفتم ربیع‌الثانی سال ۱۱۱۳ ق. وفات یافت و در تکیه‌ای مخصوص به نام خودش در قبرستان تخت‌فولاد، تحت عنوان «آقاسیدرضی»، به خاک سپرده شد (مهدوی، ۱۳۷۰، ۱۱۷).

۲-۳. میرسید محمداسماعیل خاتون‌آبادی (م. ۱۱۱۶ ق.)

میرسید محمداسماعیل بن میرمحمدباقر بن میرمحمداسماعیل شاه‌مراد، عالم پرهیزگار، فقیه و فیلسوف عالی‌قدر و از دانشمندان و مفسران بزرگ عهد صفویه است. جدّ اعلای این خاندان، میرعمادالدین محمد، مدتی ساکن خاتون‌آباد بود. او در آنجا وفات یافت و در دامنه کوه گُورت نزدیک خاتون‌آباد مدفون گردید؛ از این‌رو اعقاب او به «سادات خاتون‌آبادی» مشهور شدند.

میرمحمداسماعیل خاتون‌آبادی در روز دوشنبه ۱۶ ربیع‌الثانی ۱۰۳۱ ق. در اصفهان متولد شد. برادر دانشمندش میرسیدعبدالحسین خاتون‌آبادی (م. ۱۰۵۰ ق.) فقیه، محدّث و مورّخ بزرگی بود، که نزد محقّق سیزواری و ملامحمدتقی مجلسی علم و ادب آموخت و آثار متعددی از جمله کتاب وقایع السنین و الأعوام را از خود برجای گذاشت.

محدّث قمی در شرح احوال میرمحمداسماعیل می‌نویسد: «وی عالم فاضل کامل زاهد تازک دنیا بوده و در علم فقه و حدیث و تفسیر و کلام و حکمت و غیرها ماهر بوده و در

جامع جدید عباسی در اصفهان مدرّس بوده و قریب ۵۰ سال تدریس می‌کرده و اخذ علم از مولی محمدتقی مجلسی، میرزا رفیع‌الدین نائینی و سیدمیرزای جزایری نموده و از رساله اجازات سیدنورالدین بن سیدنعمت‌الله جزایری نقل شده که در حال جلیل نگاشته که در سن ۷۰ سالگی عزلت از خلق اختیار کرده، در مدرسه تخت‌فولاد که از بنای خود ایشان است سکنی نموده و قبر خود را در حجره‌ای از حجرات کنده و شب‌ها بعد از فریضه مغرب و عشا در میان آن قبر رفته و تهجد در قبر گذاشته و بعد از آن از قبر بیرون می‌آمده و شرح بر اصول کافی و تفسیر قرآن می‌نوشته و روزها جمعی از طلاب مستعد که از جمله مرحوم والد سیدنعمت‌الله بوده در خدمت ایشان بودند. عاقبت در همان‌جا وفات نموده و در همان قبر مدفون شد» (محدّث قمی، ۱۳۷۲، ج ۲، ۱۶۳).

به این ترتیب، یکی از اقدامات مهم میرمحمداسماعیل، ایجاد یک مدرسه و حوزه علوم دینی در تخت‌فولاد بود، که در آنجا، علاوه بر تألیف، به تدریس و تربیت شاگردانش پرداخت. وی با تألیف کتاب‌ها و تربیت شاگردان بزرگ، میراث غنی اسلام و تشیع را به نسل‌های بعد از خود منتقل نمود.

برخی از آثار و رسائل میرمحمداسماعیل خاتون‌آبادی عبارتند از: التحفة الرضویة، زاد المسافین و تحفة السالکین، شرح اصول الکافی، شرح عقاید صدوق، صلاة الجمعة، حاشیه بر شرح اشارات، أنموذج العلوم، تنقیح العقائد، جامع الأخبار، حاشیه بر شفا، منهاج الیقین در اصول دین و نوروزیه.

یکی از مهم‌ترین اقدامات او در پربار نمودن علوم و معارف دین اسلام، تألیف آثاری ارزشمند در خصوص علوم و معارف اسلامی و از جمله تفسیر کبیر بود. شیخ عبدالکریم گزی در اشاره به این تفسیر می‌نویسد: «در نوبت گنبد خاتون‌آبادی، قبر میرمحمداسماعیل که کرامات و مقامات بسیار از او نقل می‌کند و صاحب تصنیفات است، من جمله تفسیر کبیر [در] چهارده مجلد. و آن بزرگوار جدّ سادات پاقلعه که از اکابر اصفهان هستند و جمعی از آن‌ها از فضلا و اهل علم، و تولیت مدرسه چهارباغ در دست ایشان است» (گزی، ۱۳۷۱، ۵۸). آنچه از تفسیر قرآن خاتون‌آبادی در دسترس است، تفسیر سوره‌های جمعه، منافقون، تغابن، طلاق و آیه نخست سوره تحریم است. این تفسیر در ۹۷ صفحه به خط نویسنده در مجموعه ۳۴۵۳ در کتابخانه مجلس شورا موجود است. مؤلف درباره شأن نزول، فضیلت و نکات ادبی این سوره‌ها به گونه‌ای جامع سخن گفته و در ضمن آن، از کتاب دیگر خود به نام جامع الأخبار والفتاوی یاد کرده است. گفتنی است که بیشتر منابع و تراجم رجال،



به تفسیری مفصل و بزرگ در ۱۴ مجلد از علامه خاتون‌آبادی اشاره کرده‌اند. گویا نخستین مأخذ این نظر، گفته شیخ عبدالکریم گزی در تذکرة القبور است و سایر نویسندگان از او نقل کرده‌اند. تاکنون جز تفسیر چند سوره یادشده، رساله یا کتابی در تفسیر قرآن از خاتون‌آبادی یافت نشده است. احتمال می‌رود مرحوم گزی نیز این سخن را از دیگران شنیده و نقل کرده است. ممکن است خود او هم چنین مجموعه‌ای را دیده باشد؛ ولی در هر صورت، اکنون اثری از آن در دست نیست (گزی، ۱۳۷۱، ۵۷؛ مهدوی، ۱۳۴۸، ج ۱، ۱۸۷؛ تهرانی، ۱۴۰۸، ج ۴، ۲۶۱).

محمداسماعیل خاتون‌آبادی اگرچه در علوم اسلامی و فلسفه مقام مهمی داشت، اما نام وی آن‌چنان‌که شایسته است مطرح نشده است. علت این گمنامی می‌تواند دو نکته باشد: نخست معاصر بودن وی با شخصیت برجسته علامه محمدباقر مجلسی، که با کار عظیم گردآوری و تدوین بحار الأنوار و تألیف کتاب‌های پربار و سودمند دیگر به زبان فارسی برای عامه مردم، شهرت علمای معاصر خود را تحت الشعاع قرار داد؛ دیگر اینکه آثار و نوشته‌های خاتون‌آبادی تاکنون چاپ نشده و در نتیجه، پژوهشگران هم‌چنان‌که باید به آن‌ها مراجعه نکرده‌اند.

این عالم فرزانه سرانجام در سال ۱۱۱۶ ق. در اصفهان درگذشت و بنا به وصیتش، در تکیه خانوادگی خاتون‌آبادی‌ها در مزار تخت‌فلاد اصفهان، در اتاقی که محل تدریس و عبادتش بود، به خاک سپرده شد.

۲-۴. میرسد محمد عبدالحسیب علوی عاملی (م. ۱۱۲۱ یا ۱۱۳۳ ق.)

او فرزند میرسیداحمد بن زین‌العابدین علوی است. زین‌العابدین از علمای جبل‌عامل بود. او پس از چندی به قصد تحصیل به نجف اشرف مهاجرت کرد و سپس داماد محقق کرکی شد. میرسیداحمد علوی، پدر میرعبدالحسیب نیز، داماد و پسرخاله حکیم ثالث، میرداماد، است. او علاوه بر افتخار دامادی میرداماد، بزرگترین شاگرد مکتب یمانی میرداماد و بزرگوارت علمی اوست. از این‌رو، با توجه به آن‌که تنها فرزند میرداماد، مادر میرعبدالحسیب است و او از سوی پدر و مادر هم حفید محقق کرکی شمرده می‌شود؛ همچنین پدر او وارث حکمت یمانی میرداماد است، میرعبدالحسیب تنها وارث علمی میرداماد در آن دوران بوده است. علی‌رغم آن‌که میرعبدالحسیب در عصر خود صاحب عنوان بوده، متأسفانه از سال تولد و چگونگی زندگی وی اطلاع دقیقی در دست نیست. با توجه به فوت میرداماد در سال ۱۰۴۱ ق. و دامادی علوی عاملی در سالیانی پیش از آن، تولد وی را می‌توان قبل از

۱۰۴۰ ق. پیش‌بینی کرد. تاریخ وفات وی نیز همچون تاریخ تولدش دقیقاً مشخص نیست و تنها دو نقل متعارض از سیّد مصلح‌الدین مهدوی در این‌باره وجود دارد: در نقل نخست، تذکرة القبور وفات او را در ۱۱۳۳ ق. دانسته (گزی، ۱۳۷۱، ص ۱۲۲ - ۱۲۳) و در نقل دوم، کتاب سیری در تاریخ تخت‌فولاد اصفهان آن را در سال ۱۱۲۱ ق. ذکر کرده است (مهدوی، ۱۳۷۰، ص ۱۱۸). بنابر اسناد شفاهی خانوادگی که به همین دو کتاب راه یافته، مدفن وی در کنار پدر خویش در تکیه آقا رضی، مجاور تکیه خوانساری‌ها و صاحب روضات گزارش شده است؛ اما اکنون هیچ اثری از این دو مدفن باقی نیست و چه‌بسا بتوان گفت، اصل این گزارش مشکوک است.

از جمله آثار میرعبدالحسب در زمینه قرآن کتاب عرش سماء التوفیق است. این کتاب، تفسیری فارسی بر قرآن کریم است و تا اواسط سوره بقره را تفسیر کرده است. این اثر حاوی مقدمه‌ای بسیار مبسوط در مباحث علوم قرآنی است، که در آن روزگار نوعی ابتکار شمرده می‌شد. نسخه‌های آن در کتابخانه آیت‌الله سیّد محمدعلی روضاتی، کتابخانه آیت‌الله بروجردی در کرمانشاه و مرکز احیاء میراث اسلامی وجود دارد (درایتی، ۱۳۸۹، ج ۷، ۴۵۸؛ حسینی اشکوری، ۱۴۲۲، ۱۱۰).

۵-۲. ملامحمد فاضل سراب (م. ۱۱۲۴ ق.)

او فرزند عبدالفتاح تنکابنی و فقیه محدّث، متکلم محقق، حکیم متألّه و از علما و مدرّسان نامدار مکتب فقهی - فلسفی اصفهان در اواخر قرن یازدهم و اوایل قرن دوازدهم هجری به شمار می‌رود. ملامحمد در حدود نیمه نخست قرن یازدهم هجری و در اوایل سلطنت شاه‌سلیمان صفوی یا اندکی پیش از آن، به اصفهان، پایتخت ایران و مرکز علم و حکمت تشیع، کوچ کرد. در آن روزگار، نسل دوم فقیهان، فیلسوفان، محدّثان، عارفان و دیگر دانشمندان مکتب اصفهان، به تصنیف و تألیف و نیز تعلیم و تربیت طلاب و فضایی که از دور و نزدیک به مرکز علمی جهان تشیع می‌آمدند، اشتغال داشتند. ملامحمد در علوم نقلی - مانند فقه و اصول - از شیخ‌الاسلام وقت علامه میرزا محمدباقر سبزواری و نیز آقا حسین خوانساری، در علم حدیث و تفسیر از محضر ملامحمدتقی مجلسی و در علوم عقلی - مانند منطق، کلام و حکمت - از محضر آقا حسین خوانساری، ملا رجبعلی تبریزی و ملا میرزا شیروانی استفاده کرد. ملامحمد از برخی بزرگان و محدّثان زمان خود نیز مفتخر به دریافت اجازه حدیث شد (تهرانی، ۱۳۷۲، ۶۷۱-۶۷۳؛ همو، ۱۴۱۱، ۲۱۵؛ حزین لاهیجی، ۱۳۷۵، ج ۸، ۱۰۸). ملا محمد فاضل سراب آثار فراوانی نگاشت، که شمار آن‌ها بیش از سی عنوان است. این آثار در



زمینه‌های مختلف علمی بود و افزون بر علوم مرسوم دینی، الهیات و فلسفه را نیز شامل می‌شد (کرباسی‌زاده، ۱۳۹۴، ج ۳، ۱۴۶ - ۱۴۷).

در زمینه تفسیر قرآن از فاضل سراب دو اثر به یادگار مانده است. اولی حاشیه بر زبده البیان فی تفسیر احکام القرآن نوشته مقدس اردبیلی است. این اثر، یادداشت‌هایی است که ملامحمدصادق پسر مؤلف از روی یادداشت‌های پدرش به هنگام تدریس، در حاشیه نسخه‌ای از زبده البیان نوشته و در اواخر جمادی الاولی ۱۱۲۴ ق. به پایان رسیده است. بر اساس این یادداشت‌ها، نسخه‌ای در ۱۰۲ برگ در سال ۱۱۲۸ ق. استنساخ شده، که در نسخه شماره ۷۷۲ کتابخانه وزیری یزد نگهداری می‌شود (فهرست میکروفیلم‌های کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران، ص ۳۱۵). با مطالعه حواشی فاضل سراب بر نگاهشده‌های مقدس اردبیلی، می‌توان به دیدگاه‌ها و روش تفسیری او پی برد. فاضل، فقهی اصولی و آگاه به علوم عقلی و ادبی بود و نکته‌سنجی او در حواشی‌اش بر این کتاب واضح است. آغاز این نسخه چنین است: «بسم الله الرحمن الرحيم الحمد لله رب العالمين و ... و بعد فهذه حواشی و تعلیقات قد کتبتها والدی العلامة المحقق».

اثر دوم تفسیری فاضل تفسیر آیه الکرسی به زبان عربی است که « [آن را] به خط سیدمحمدکاظم بن سیداسماعیل بن میرمحمدصادق حسینی در کتابخانه شخصی مرحوم محمدحسن بن حسن حسینی پی‌ریسیدی در رامسر مشاهده نمودم، که آغاز آن افتاده است. شروع [نسخه چنین است]: "... واجعلنی من أفضل الناس من معرفتک وأکملهم فی محبتک و من أکرمهم منک نصیبه و أوفرهم من عندک رزقاً، کن أنیسى فی وحشتی و شفائی فی علّتی و مُغنی فقری ... أنت المّان و علیک التکلان ... " که در سال ۱۳۲۴ ق. در قزوین استنساخ شده و در آغاز آن پاسخ می‌نویسد که: سراب چنین نوشته است. این اثر در بیست ورق موجود بود» (سامی حائری، ۱۳۶۱، ۱۴۱ و ۱۴۲).

این عالم حکیم و فقیه سرانجام در هفدهم ذی الحجه ۱۱۲۴ ق. بدرود حیات گفت و در تخت فولاد اصفهان به خاک سپرده شد. پس از دفن، بقعه‌ای بر مزار او بنا شد، که امروزه به «تکیه فاضل سراب» مشهور است. پس از او، تعدادی از فرزندان و نوادگانش در جوار او دفن شدند.

۲-۶. سیدابوطالب فندرسکی (م. ۱۱۲۷ ق.)

تاریخ تولّد او مشخص نیست؛ ولی درگذشت او را به سال ۱۱۲۷ ق. در اصفهان دانسته‌اند (کاشفی خوانساری، ۱۳۸۱، ۱۲۵). فندرسکی شاگرد آقا حسین خوانساری (م. ۱۰۹۸ ق.) و علامه

محمدباقر مجلسی (م. ۱۱۱۰ ق.) است (تهرانی، ۱۴۰۸، ج ۹، ۳۹۲). میرفندرسکی، فیلسوف مشهور، جدّ مادری او است. پدرش میرزاییک از سادات فندرسک (بخشی در شهرستان رامیان استان گلستان امروزی یا استرآباد عصر صفوی) بود. سیدابوطالب پدر خود را اهل هنر معرفی می‌کند. سیدابوطالب در زمره عالمان دین بود و آثار متعددی در حوزه ادب، فقه، فلسفه و کلام از خود برجای گذاشت. برخی از آثار او - که افندی آن‌ها را در کتابش ذکر کرده (افندی، ۱۴۰۱، ج ۵، ۵۰۰ - ۵۰۱) - به صورت نسخه خطی در کتابخانه‌ها باقی مانده و برخی بر اثر حوادث زمانه - به‌ویژه سقوط اصفهان - از بین رفته است. بنابر اطلاعات ثبت شده در کتابخانه ملی ایران، به‌جز کتاب تحفة العالم - که جعفریان آن را در سال ۱۳۸۸ به چاپ رسانده - تاکنون سه اثر از سیدابوطالب فندرسکی منتشر شده است: رساله‌ای در فنّ بیان و بدیع به زبان فارسی به نام بیان بدیع، که به تصحیح مریم روضاتیان در سال ۱۳۸۱ منتشر شده؛ غزوات (خلافت امام علی علیه السلام و جنگ‌های ایشان تا زمان شهادت)، که به تصحیح عبدالهی کچوسنگی چاپ شده؛ منظومه‌ای دیگر به فارسی با نام ساقی‌نامه، که به تصحیح سیدعلی‌اصغر میرباقری‌فرد و احسان رئیسی در سال ۱۳۹۱ منتشر شده است. از متن اجازهای که علامه مجلسی برای سیدابوطالب فندرسکی صادر کرده، برمی‌آید که او در بین علما از دانش کافی برخوردار بوده و علامه تلویحاً دانش مذهبی او را ستوده است (موسوی فندرسکی، ۱۳۸۱، ۲۱ - ۲۵). فندرسکی خود در یکی از اشعارش که در مدح شاه سروده، به علم‌آموزی دیرپای خود، با عنوان «دفتر علم سی‌ساله» اشاره می‌کند (موسوی فندرسکی، ۱۳۸۸، ۶۳).

جعفریان حدس می‌زند که فندرسکی دست‌کم تا اواخر دهه دوم یا اوایل دهه سوم قرن دوازدهم زنده بوده است. فندرسکی در «گفتار ذره و آفتاب»، از توجه شاه‌سلیمان صفوی (پدر شاه‌سلطان‌حسین) به خود پرده برمی‌دارد و علت محروم بودن نُه‌ماهه خود از دیدار شاه‌سلطان‌حسین را همین توجهات شاه‌سلیمان به خود می‌داند. گفتنی است، بعضی امرا و ارکان حکومت، از توجهات شاه‌سلیمان به فندرسکی مطلع بودند و در نتیجه، مصلحت نمی‌دیدند که فندرسکی در معرض توجه شاه جدید نیز قرار گیرد؛ تا مبادا شاه منصبی به او واگذار کند و برای دوستانشان منصبی باقی نماند. اما پس از تفویض مناصب و راحتی خیال آن‌ها، شرایط دیدار فندرسکی با شاه فراهم شد (همان، ۵۲ - ۵۳).

درباره تأثیر فندرسکی بر تفسیر قرآن، باید از کتاب حاشیه بر أنوار التنزیل یاد کرد، که حاشیه‌ای است مبسوط بر تفسیر أنوار التنزیل، مشهور به تفسیر بیضاوی، است (تهرانی،



۱۳۷۲، ۳۹۲). نسخه‌ای از این تفسیر به زبان عربی در کتابخانه آیت الله گلپایگانی در قم وجود داشته، که اکنون رونوشت آن در مجموعه تاریخی - فرهنگی - مذهبی تخت فولاد اصفهان موجود است. این نسخه در ۱۷۰ برگ، شامل تفسیر سوره حمد و دو آیه اول سوره بقره است. لازم به ذکر است که صاحبان اعیان الشیعة و الذریعة به اشتباه این تفسیر را به جدش میرفندرسکی نسبت داده‌اند؛ در صورتی که این تفسیر از آثار سیدابوطالب نواده میرفندرسکی است. بیشتر پژوهشگران معاصر نیز بر اساس نوشته الذریعة به اشتباه افتاده و این خطا را تکرار کرده‌اند.

سیدابوطالب فندرسکی سرانجام در حدود سال ۱۱۲۷ ق. دعوت حق را لبیک گفت. مدفن او احتمالاً در تخت فولاد و در کنار مدفن جدش در تکیه میرفندرسکی بوده؛ اما در گذر زمان، آثار آن از بین رفته است.

۸-۲. سیدمحمدرضا امامی خاتون‌آبادی (م. پس از ۱۱۲۸ ق.)

او عالمی فقیه و محدّثی مفسّر، فرزند محمدمؤمن و یکی از بزرگان علمی و دینی اصفهان در قرن دوازدهم است. امامی خاتون‌آبادی از سادات امامی است، که نسبشان به علی بن جعفر عریضی، فرزند امام صادق علیه السلام می‌رسد (عقیقی بخشایشی، ۱۳۸۲، ۶۶۰).

وی پس از کسب علوم معقول و منقول در عتبات عالیات، در اواخر عصر شاه سلیمان به اصفهان بازگشت و به تدریس و تألیف مشغول شد. به نوشته محدّث قمی «وی مردی عالم و باورع و زهد و صاحب مقامات علیّه و کرامات جلیّه بوده، از علامه مولی محمدتقی مجلسی اخذ حدیث کرده و حافظ قرآن مجید بوده و هفت مرتبه حج مشرف شده که بیشترش پیاده بوده» (محدّث قمی، ۱۳۷۸، ج ۲، ۱۶۲، به نقل از مهدوی، ج ۱، ۱۸۸).

امامی خاتون‌آبادی آثار و تألیفاتش از خود به یادگار گذاشته است. صاحب ریحانة الأدب در این باره می‌نویسد: «او صاحب کتاب‌های أبواب الهدایة و جنّات الخلود می‌باشد، که اتحاف به شاه سلطان حسین صفوی نموده و در ایران چاپ شده است. [این کتاب] کتابی است بس لطیف و عجیب، جامع و محتوی شرح اسماء حسنی و معرفت انبیاء و تواریخ حضرات معصومین علیهم السلام و ملوک و سلاطین و خلفای اموی و عباسی و ملل و ادیان مختلف و معرفت سمت قبله و بعضی از احوال بلاد و امکانه و عرض و طول و مقدار مسافت آن‌ها و فواید بسیار دیگر، که همه آن‌ها در جداول بزرگ و کوچک متفاوت، مرتّب و به نام شاه مذکور مصدر [است]. در اواخر سال ۱۱۲۵ ق. که مطابق عدد ابجدی "باغ عدن" می‌شود، از تألیفات آن فارغ شد. این کتاب به‌تنهایی، از تنوع علمی و تبحر فضلی و کمالی و کثرت

احاطه مؤلف حکایت دارد و در جدول عسکری و جدول شهر رمضان از همین کتاب، به یک تفسیر قرآن خزائن الأنوار به نام خودش هم حواله می‌دهد. سال وفات او درست به دست نیامد» (مدرّس تبریزی، ۱۳۷۴، ج ۵، ۲۶۸). همچنین، در ادبیات فارسی برمبنای تألیف استوری آمده است: «خزائن الأنوار فی تفسیر القرآن تفسیری است بر قرآن که همه یا دست‌کم جلد یکم آن را پیش از ۱۱۲۷ ق. به پایان رسانده است؛ زیرا در پیشگفتار جنات الخلود، از این کتاب یاد کرده است. سرآغاز آن این‌گونه آغاز می‌شود: "سپاس بی‌قیاس بر متکلمی سزاست ...". مؤلف آن محمدرضا بن محمد مؤمن امامی خاتون‌آبادی مدرّس [است]. نگارنده جنات الخلود این تفسیر را به شاه‌سلطان حسین پیشکش کرده است» (استوری، ۱۳۶۲، ج ۱، ۸۹). شیخ آقابزرگ تهرانی نیز در جلد هفتم الذریعة می‌نویسد: «فقط جلد اول این تفسیر خارج شده است و آن را به شاه‌سلطان حسین اهدا نموده است؛ آنچنان که مؤلف در کتاب جنات الخلود که در سال ۱۱۲۸ ق. از آن فارغ شده، اشاره نموده است» (تهرانی، ۱۴۰۱، ج ۷، ۱۵۲).

این تفسیر در کتابخانه مسجد گوهرشاد مشهد به شماره ۲۰، دفتر پنجم، ص ۶۱۳؛ کتابخانه ملک تهران به شماره ۶۳۲۲، جلد اول، نوشته‌شده در سال ۱۱۲۲ ق. و کتابخانه مجلس، جلد دوم، صفحه ۲۷، شماره ۵۲ معرفی شده است (عقیقی بخشایشی، ۱۳۸۹، ۶۶۱).

تاریخ شروع نگارش این اثر در سال ۱۱۱۷ ق. در شهر تبریز است و به درخواست علمای آنجا به نگارش آن پرداخته است. این کتاب از آخرین تفسیرهای ادبی و عرفانی به زبان فارسی است، که با نثری بلیغ، آیات الهی را در قالب مباحث عرفانی و معنوی توضیح داده است. کتاب در ابتدا از جایگاه قرآن سخن گفته، سپس ضمن ابیاتی، به نقش پیامبر ﷺ و خاندان ایشان در بیداری انسان و توضیح مسائل دینی می‌پردازد (خاتون‌آبادی، ۱۳۸۶، پنجاه و یک).

خاتون‌آبادی قصد داشت تفسیرش را در چهار جلد بنویسد؛ ولی بیش از یک جلد از آن را به پایان نرسانید، که آن هم از آغاز قرآن تا پایان سوره نساء را شامل می‌شود (همان). قسمتی از جلد اول این تفسیر (تا پایان سوره حمد) به چاپ رسیده است. مؤلف در این جلد، ابتدا مباحثی از علوم قرآنی را بررسی کرده و سپس مقدمه‌ای طولانی نوشته که شامل یک فاتحه و چهارده خزانه است.

محتوای اصلی تفسیر خاتون‌آبادی تأکید بر جنبه‌های هدایتی و تربیتی قرآن است؛ به همین دلیل، از بحث‌های ادبی طولانی و خسته‌کننده پرهیز کرده است. سبک مطالب



آن عرفانی با صبغه اخلاقی است و با نثری بلیغ و اشعاری جذّاب، آیات الهی را تبیین کرده است (همان). ترتیب منظم مباحث، استفاده از دانش‌های مختلفی چون تاریخ، جغرافیا و نجوم در تفسیر آیات و استفاده از منابع مختلف تفسیری، حدیثی، عرفانی و ادبی نیز بر غنای این تفسیر افزوده است. رعایت امانت علمی و نقل بدون تحریف گفتارها و اندیشه‌های صاحب‌نظران ویژگی دیگر تفسیر خزائن الأنوار است؛ چنان‌که در آغاز کتاب، اسامی منابع مورد استفاده خود را آورده است (همان، ۵۶ - ۵۹). نثر نوشتاری این تفسیر نیز نشان از احاطه علمی و ادبی مؤلف دارد (همان، ۶۴).

امامی خاتون‌آبادی تا سال ۱۱۲۸ ق. زنده بود و پس از وفات، در قبرستان تخت‌فولاد، بالای سر مزار میرمعصوم خاتون‌آبادی در تکیه آقامحمد بیدآبادی دفن گردید (مهدوی، ۱۳۷۰، ۱۹۵).

۹-۲. ملامحمدصادق اردستانی (م. ۱۱۳۴ ق.)

اردستانی از حکمای الهی و عرفای اواخر عهد صفوی است. وی فرزند مولانا محمدقاسم بن حاج محمد مهدی بن مولانا پیرکمال‌الدین محمد بن مولانا پیرجمال‌الدین معروف به پیرجمالی اردستانی است. اجدادش اغلب اهل فضل و کمال و از جمله‌ی عرفا و متصوفه بوده‌اند (شفیعی اردستانی، ۱۳۷۸، ۲؛ مهدوی، ۱۳۴۸، ۳۸۲ و ۳۸۳؛ رفیعی مهرآبادی، ۱۳۴۲، ج ۲، ۳۱۵).

ملامحمدصادق در حکمت و فلسفه از استادانی مانند میرفندرسکی (هدایت، ۱۳۳۹، ج ۸، ۵۸۶)، ملا رجبعلی تبریزی، ملا محسن فیض کاشانی، محقق لاهیجی و شیخ حسین تنکابنی بهره برد (صدوقی سها، ۱۳۵۹، ۲۷).

وی در علوم عقلی و نقلی یگانه عصر خود به شمار می‌رفت و در ویژگی‌های معنوی نیز سرآمد بود؛ به طوری‌که در زهد و ورع، اعراض از مشتتهای نفسانی و توجه به حق، یگانه روزگار و از عرفا و اهل ریاضت شمرده می‌شد (مهدوی، ۱۳۴۸، ۳۸۳). التزام اردستانی به سنن و آداب شرع به حدّی بود که جمعی او را سلمان و ابوذر دوران نامیده‌اند. در آثار او - به زعم اهل ظاهر - کوچک‌ترین لغزشی دیده نمی‌شود. شیخ محمدعلی حزین لاهیجی در تاریخ و سفرنامه‌اش درباره آشنایی خود با اردستانی و استفاده از محضر وی آورده است: «... وی از اساطین حکما بود و قرن‌ها باید، که مثل او کسی از میان دانشمندان برخیزد. به من عاطفتی بی‌پایان داشت و در خدمتش کتب مشهوره و غیرمشهوره حکمیه، نظریه و عملیه بسیار خوانده‌ام و حقّ آن فیلسوف کامل بر من زیاده از استادان دیگر است و تا هنگام رحلت، استفاده من از خدمت ایشان منقطع نشد» (حزین لاهیجی، ۱۳۷۵، ۱۹۱ - ۱۹۲).

از اردستانی یک اثر در زمینه قرآن بر جای مانده است: رساله‌ای در تفسیر آیه نور (زنوزی، ۱۳۷۸، ج ۳، ۳۱۶)؛ که در این اثر بر مبنای اشراق و ذوق عرفانی، به تفسیر آیه نور مبادرت نموده است (تهرانی، ۱۳۷۲، ۳۶۰).

از نوشته‌های حزین لاهیجی استنباط می‌شود که استادش اردستانی در سال ۱۱۳۴ ق. به‌هنگام محاصره و ابتدای سختی و مصائبی که بر اصفهان وارد شد، درگذشته است (حزین لاهیجی، ۱۳۷۵، ۱۹۲). مزار ملامحمدصادق اردستانی روبروی تکیه کازرونی در قبرستان تخت‌فولاد قرار دارد (مهدوی، ۱۳۴۸، ۱۵۰ - ۱۵۲).

۲-۱۰. ملاگداعلی قاری (م. ۱۱۳۴ ق.)

او فرزند ابوالفتوح اصفهانی از علمای قرن دوازدهم اصفهان است. او بر روی سنگ مزارش، «علامی فهامی قاری کلام الله» معرفی شده است. ملاگداعلی در علوم قرآنی و تجوید تبخّر داشت و در این زمینه، رساله‌ای به نام لَوْلُ الْقُرْآن در خواص آیات قرآن از طریق اهل بیت علیهم‌السلام از خود به یادگار گذاشت. نسخه‌ای از این رساله به خط نسخ و نستعلیق در هفت برگ در کتابخانه آیت‌الله گلپایگانی به شماره ۱۰۷۲۱ نگهداری می‌شود (درایتی، ۱۳۸۸، ج ۶، ۳۴۳۰؛ مهدوی، ۱۳۷۰، ج ۲، ۸۷۴).

از دیگر آثار ملاگداعلی رساله مشکلات القراءة است. مؤلف درباره دلیل تألیف آن می‌نویسد: «چون افضل طاعات و اکمل عبادات، نماز است و آن حاصل نمی‌شود مگر به خواندن قرآن و آن میسر نیست مگر بعد از معرفت مخارج و صفات حروف و قواعد تجوید، لذا بنا بر خواهش جمعی از برادران دینی، این کتاب را در تجوید به زبان فارسی نگاشتم در یک مقدمه، شانزده فصل و یک خاتمه» (انوار، ۱۳۶۵، ج ۵، ۵۸). این کتاب در ۴۲ صفحه در کتابخانه ملی به شماره ۲۰۵۷۷ نگهداری می‌شود (همان‌جا).

از جمله آثاری که ملاگداعلی کتابت کرده، رساله کاشف المعانی فی شرح حرز الأمانی از سید ابوالفضائل مجدالدین عبّاد بن احمد بن اسماعیل بن علی بن حسن بن شرفشاه گلستانه حسینی است. او کتابت این رساله را در روز سه‌شنبه نهم صفر ۱۱۰۹ ق. در مسجد جامع عباسی اصفهان تمام نموده است (روضاتی، ۱۳۸۹، ج ۲، ۳۲۹). او همچنین، کتابت رساله التحصیل را در ۲۳۳ برگ به خط نسخ در رجب ۱۰۶۷ ق. و استنساخ رساله حاشیه شفا از صدرالدین شیرازی را در ۴۳۴ برگ به خط نسخ در روز سه‌شنبه ۲۶ شعبان ۱۰۶۸ ق. به پایان رسانیده است (صدراپی خویی، ۱۳۸۸، ج ۱، ۵۶۰؛ درایتی، ۱۳۸۹، ج ۴، ۳۰۸).

از فرزندان وی، محمدصادق قاری اصفهانی است. او نسخه‌ای از کتاب الخلاصة فی النحو



یا الفیه ابن‌مالک را همراه با تجزیه و ترکیب و ترجمه فارسی اشعار، در ۲۸ صفر ۱۱۳۲ ق. به خط نسخ کتابت کرده است (درایتی، ۱۳۸۹، ج ۴، ۹۶۳). این رساله در کتابخانه دانشکده ادبیات مشهد به شماره ۲۲۷۰۳ نگهداری می‌شود (مهدوی، ۱۳۷۰، ج ۲، ۸۷۴). ملا گداعلی سرانجام در آغاز ربیع‌الاول سال ۱۱۳۴ ق. درگذشت و نزدیک تکیه خوانساری و در قبرستان پشت مصّلی به خاک سپرده شد (همان).

۱۱-۲. بهاء‌الدین محمد فاضل هندی (م. ۱۱۳۷ ق.)

او از مفاخر علمی شیعه و افاضل علما در اواخر دولت صفویه است، که در تمامی علوم رسمی و فنون دینی، یگانه عصر و اعجوبه دهر بود. فاضل هندی از دوران کودکی، در اثر نبوغ و امتیازات والایی که خداوند در وجود مبارکش قرار داده بود، در شمار بزرگان و نوادر زمان قرار گرفت و آوازه علم و فضیلتش در همه‌جا پیچید. وی در سنین کودکی چندسالی به همراه پدر در هندوستان اقامت کرد و از این‌رو به «فاضل هندی» معروف شد؛ لقبی که خود نیز بدان راضی نبود. چنان علامه زنوزی در کتاب ارزشمند و معتبر خود نگاشته، فاضل هندی در هند به تعلیم کودکان و زنان دربار اشتغال داشت (زنوزی، ۱۳۷۸، ج ۲، ۲۰۳). در بیان مقامات بلند علمی و اوج قدرت و مهارت او در فقه اهل بیت علیهم‌السلام، سخن فقیه نامدار شیعه شیخ محمدحسن نجفی صاحب جواهر الکلام کافی است که گوید: «اگر فاضل هندی در میان ایرانیان نبود، باور نمی‌کردم که فقه به دیار عجم رفته باشد». اعتماد و اعتنای صاحب جواهر بر کتاب ارجمند کشف اللثام فاضل به اندازه‌ای بوده، که بدون در دست داشتن آن، از نگاشتن کتاب جواهر امتناع می‌ورزیده است (محدّث نوری، ۱۳۷۸، ج ۲، ۱۴۵).

اثر ارزشمند فاضل هندی در تفسیر قرآن الکوکب الدرّی نام دارد. از این اثر در الذریعة یاد نشده است. این کتاب درباره تفسیر آیاتی است که از غرر الفرائد (أمالی) سید مرتضی انتخاب و توضیحاتی بر آن افزوده شده است. سپس، آیاتی را که در تنزیه الأنبیاء تفسیر شده بر آن افزوده و در شب سه‌شنبه اول محرم سال ۱۰۹۷ ق.، آن را به پایان برده است. این اثر در مجموعه ۸۱۷ کتابخانه آیت الله مرعشی آمده است. نسخه خطی آن به شماره ۱۳۰۴ در آستان قدس رضوی نگهداری می‌شود و شاید نسخه اصل باشد (استادی، ۱۳۷۳، ۲۰۲). این اثر در مجموعه تراث الشیعة القرآنی چاپ شده است.

فاضل در مقدمه این اثر تفسیری، درباره غرر و ضرورت اقدام خود برای اهمیت این کتاب نوشته است: «فما أعجب ما أبدعَ فيه من بدائع المعانی و ما أحسن ما أودعَ فيه

من کواکب الغوانی و لكن لغاية بسطه متشتتاً لأذهان النظار و لغاية ضوءه مخفياً عند ضعفاء الانصار، فأردتُ أن أصطفی من مسائله ما يتعلّق بالتفسير ايجازاً فأوجزُها متنكباً عن الإخلال و أوضحها إيضاحاً ... و ألحقتُ بها ما فی كتابه تنزيه الأنبياء و الأئمة من تفسير الآی تم جعلتُ له ذیلاً أذكر فيه تفسير بعض الأخبار و مسائل أخر سميتُ بالكوكب الدرّي و الله المستعان» (قاسمی، ۱۳۸۸، ۱۵۶، به نقل از الكوكب الدرّي، نسخه مرعشی، ش ۸۱۷، برگه ۲۵۴).

لازم به ذکر است، در برخی از کتب به اشتباه کتاب البحر المّوّاج که تفسیری بر قرآن است، به فاضل هندی مورد بحث نسبت داده شده، اما این نسبت نادرست است. این کتاب از نویسندگانی سنی و اهل هند است و در قرن نهم هجری نوشته شده است. فاضل هندی سرانجام در روز شنبه ۲۵ رمضان سال ۱۱۳۱ ق. در اصفهان وفات یافت و در قبرستان تخت فولاد دفن گردید. پس از آن، بقعه و آرامگاهی برای وی احداث شد، که امروزه به «تکیه فاضل هندی» یا «فاضل اصفهانی» شهرت دارد.

نتیجه گیری

دستآورد این تحقیق روشن شدن آثار قرآنی تفسیرگویان اواخر عهد صفوی آرمیده در قبرستان تخت فولاد اصفهان است، که تاکنون تحقیقی شایسته این بزرگان و آثار قرآنی آنان انجام نشده است؛ هرچند این بزرگان سهم بزرگی در تعالی فرهنگ و تمدن اسلامی با محوریت تعالیم شیعه داشته‌اند. شناسایی و معرفی این آثار، مهم‌ترین اقدامی است که این پژوهش، با جستجوی فراوان در فهرست نسخه‌های کتابخانه‌های بزرگ کشور انجام داده است. درباره برخی از نسخ خطی به دست آمده از این بزرگان، توضیح مختصری ارائه شده و ویژگی آن اثر نیز آمده است. توجیه این اختصار آن است که متأسفانه بیشتر این آثار همچنان مهجور باقی مانده و یا به اشتباه به فرد دیگری منتسب شده است. بررسی محتوای این آثار نیز حکایت از آن دارد که بیشترشان مضمونی ادبی و تاریخی دارد و نویسندگان آن‌ها در نثر نگارش خود، از استدلال و براهین عقلی استفاده کرده‌اند.

کتابنامه

الف) فهرست منابع چاپی

- آشتیانی، سیدجلال‌الدین (۱۳۷۵)، *منتخبانی از آثار حکمای الهی ایران*، تهران: دفتر تبلیغاتی انقلاب اسلامی.
- استوری، چارلز آمبروز (۱۳۶۲)، *ادبیات فارسی بر مبنای استوری*، مصحح و مترجم ا. برگل، تهران: موسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.
- افندی، میرزا عبدالله (۱۴۰۱)، *ریاض العلماء*، به کوشش سیداحمد حسینی، قم: کتابخانه آیت‌الله مرعشی.
- امین، سید محسن (۱۹۸۶)، *أعیان الشیعة*، بیروت: دار التعارف.
- تهرانی، شیخ آقابزرگ (۱۴۰۸)، *الذریعة إلى تصانیف الشیعة*، قم: مؤسسه مطبوعاتی اسماعیلیان.
- تهرانی، شیخ آقابزرگ (۱۴۱۱)، *طبقات أعلام الشیعة (الروضة النضرة)*، بیروت: موسسه فقه الشیعة.
- تهرانی، شیخ آقابزرگ (۱۳۷۲)، *طبقات أعلام الشیعة (الکواکب المنتشرة)*، به کوشش علی‌نقی منزوی، تهران: دانشگاه تهران.
- جعفریان، رسول (۱۳۸۱)، *شرح احوال و آثار فاضل اصفهانی*، قم: انتشارات انصاریان.
- حرّ عاملی، محمدحسن (۱۳۶۲)، *أمل الأمل*، به کوشش سیداحمد حسینی، قم: دار الكتاب الاسلامی.
- حزین لاهیجی، شیخ محمدعلی (۱۳۷۵)، *تاریخ و سفرنامه حزین*، تحقیق علی دوانی، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- حسینی اشکوری، سیداحمد (۱۴۲۲)، *تراجم الرجال*، قم: کتابخانه آیت‌الله مرعشی نجفی.
- خاتون‌آبادی، میرمحمدرضا (۱۳۸۶)، *خزائن الأنوار و معادن الأخبار*، تصحیح و تحقیق مریم ایمانی خوشخو، تهران: میراث مکتوب.
- درایتی، مصطفی (۱۳۸۹)، *فهرست‌واره دست‌نوشته‌های ایران*، تهران: بی‌جا.
- دوانی، علی (۱۳۷۲)، *مفاخر اسلام*، مرکز فرهنگی قبله، تهران: چاپ سهند.
- رفیعی مهرآبادی، ابوالقاسم (۱۳۴۲)، *آتشکده اردستان*، تهران: چاپ اتحاد.
- زنوزی، میرزا محمدحسن (۱۳۷۸)، *ریاض الجنة*، تحقیق علی رفیعی، قم: بی‌جا.
- زنوزی، میرزا محمدحسن (۱۳۷۸)، *ریاض الجنة*، قم: کتابخانه بزرگ آیت‌الله مرعشی نجفی.
- سامی حائری، محمد (۱۳۶۱)، *بزرگان رامسر*، قم: چاپخانه خیّام.
- شفیعی اردستانی، مرتضی (۱۳۷۸)، *مولانا محمدصادق اردستانی*، مخطوط، موجود در کتابخانه تخت فولاد.
- صدوقی شها، منوچهر (۱۳۵۹)، *تاریخ حکما و عرفا*: متأخرین صدر المتألهین، تهران: انجمن حکمت و فلسفه ایران.
- عقیقی بخشایشی، عبدالرحیم (۱۳۸۲)، *طبقات مفسران شیعه*، قم: نوید اسلام.
- قاسمی، رحیم (۱۳۸۸)، *گلزار فضیلت (مشاهیر تکیه فاضل هندی)*، اصفهان: سازمان فرهنگی تفریحی اصفهان.
- کاشفی خوانساری، سیدعلی (۱۳۸۱)، *حیدرنامه (گزیده‌ای از حماسه‌های علوی از عهد صفویه تا عصر حاضر)*، تهران: بی‌جا.
- کرباسی‌زاده اصفهانی، علی (۱۳۹۴)، *دانشنامه تخت فولاد*، زیر نظر دکتر اصغر منتظرالقائم، اصفهان: سازمان فرهنگی تفریحی اصفهان.

- گزی، شیخ عبدالکریم (۱۳۷۱)، *تذکرة القیور*، به کوشش ناصر باقری بیدهندی، قم: بی‌جا.
- محدث نوری، میرزاحسین (۱۳۷۸)، *خاتمة مستدرک الوسائل*، قم: بی‌جا.
- مدرّس تبریزی، میرزامحمد (۱۳۷۴)، *ریحانة الأدب*، تهران: انتشارات خیام.
- مهدوی، سیدمصلح‌الدین (۱۳۴۸)، *دانشمندان و بزرگان اصفهان*، اصفهان: کتاب‌فروشی ثقفی اصفهان.
- مهدوی، سیدمصلح‌الدین (۱۳۷۰)، *سیری در تخت‌فولاد*، اصفهان: انجمن کتابخانه‌های عمومی اصفهان.
- موسوی فندرسکی، ابوطالب بن میرزابیک (۱۳۸۱)، *رساله بیان بدیع*، تصحیح مریم روضاتیان، اصفهان: دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، شعبه اصفهان.
- هدایت، رضاقلی‌خان (۱۳۳۹)، *روضه الصفاى ناصری*، قم: کتابخانه‌های خیام و پیروز.

ب) فهرست نسخه‌های خطی

- استادی، رضا (۱۳۷۳)، *فهرست هزار و پانصد نسخه خطی اهدایی رهبر معظم انقلاب حضرت آیت الله خامنه‌ای به کتابخانه آستان قدس رضوی*، قم.
- انوار، سیدعبدالله (۱۳۶۵)، *فهرست نسخ خطی کتابخانه ملی ایران*، تهران: نشر کتابخانه ملی.
- حسینی اشکوری، سیداحمد (۱۳۷۱)، *فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه عمومی حضرت آیت الله العظمی مرعشی*، زیر نظر سیدمحمد مرعشی، قم: کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی.
- دانش‌پژوه، محمدتقی و ایرج افشار (۱۳۶۱)، *فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه ملک*، تهران: کتابخانه ملک.
- روضاتی، سیدمحمدعلی (۱۳۸۹)، *فهرست کتب خطی اصفهان*، اصفهان: بی‌جا.
- صدراایی خوبی، علی و ابوالفضل حافظیان بابلی (۱۳۸۸)، *فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه عمومی آیت الله گلپایگانی*، تهران: بی‌جا.